

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۲۲

جرم، تقصیر و توبه به پیشگاه الهی، با نگاه عرفانی سعدی

فرهاد کاکه‌رش^۱

بابک پورقهرمانی^۲

چکیده:

سعدی، بزرگ‌ترین شاعر و نویسنده قرن هفتم در تاریخ زبان و ادب فارسی و دوران ساز و تأثیرگذار در تحولات ادبی و فرهنگی بوده است. در پژوهش حاضر، تلاش شده از منظری دیگر بر آفرینش‌های ادبی و فکری آثار سعدی نگریسته و جلوه‌های از جرم، تقصیر و توبه در آن‌ها باز نموده شود. هدف اصلی نگاه عرفانی به این موضوع و بررسی میزان مصداق آن در نگاه عرفانی سعدی بوده است. روش تحقیق در این پژوهش، کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا و واحد تحلیل، مضمون حکایات یا آموزه‌ها در آثار سعدی بوده است. نتایج نشان می‌دهد که توجه به رویکرد جرم، تقصیر و توبه به پیشگاه الهی بانگاه عرفانی سعدی، نمود فراوان داشته و زیباترین و لطیف‌ترین جلوه‌های آن در بوستان دیده و به فراوانی مورد تأکید قرار گرفته است و در نتیجه، با توجه به اندیشه اصلاح‌گرایانه سعدی و آموزه‌های عملگرایانه وی، توبه، عاملی مهم در جلوگیری از جرم و تکرار آن و بازپروری مجرم می‌تواند باشد.

کلید واژه‌ها:

سعدی، عرفان، جرم، تقصیر، توبه.

^۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران. نویسنده مسئول:

farhad_kakarash@yahoo.com

^۲- استادیار گروه فقه و حقوق جزا، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

پیشگفتار

سعدی علاوه بر ادبیات، در جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی پیشگیرانه جایگاه ویژه‌ای دارد؛ حتی شخصیتی جهانی چون مولوی در این موضوع مانند سعدی به زوایای فردی و اجتماعی آن، توجه نکرده است. مولوی می‌گوید: از محبت خارها گل می‌شود؛ محبت را توصیف و معرفی می‌کند و تأملات و تجربیات روحی و معنوی خود را نسبت به محبت بازگو می‌کند و در نتیجه برای مخاطب راه تحصیل و درک آن در پرده‌ای از ابهام قرار می‌گیرد. اما سعدی پزشک ماهری است که ادبیات را به اجتماع می‌برد و از بطن جامعه و واقعیت‌های انسانی آگاه است و آگاهانه به تأمل می‌پردازد و زبان ادبی و دلچسب او، آینه اجتماع می‌گردد؛ درد و رنج‌های مردم، جور و زور ظالمان و ستمگران، فقر و تهیدستی مسکینان، ذکاوت و هشیاری دانایان، تأمل و اسرار روحی عارفان و... را در بوستان و گلستان در اوج هنری و زیبایی به تصویر می‌کشد. جرم و انحرافات اجتماعی را منعکس می‌کند، عواقب وخیم و دردناک آن را گوشزد می‌کند، در پی چاره و درمان بر می‌آید، در چاره‌جویی‌هایش در جهت اثبات حکم، به قرآن و حدیث و تجربیات بزرگان و سعادت‌مندان گذشته متوسل می‌شود، آموزش‌های فرهنگی، علمی و اخلاقی را ارایه می‌دهد و در نهایت حکم پیشگیری از جرم و تکرار و اصلاح صادر می‌کند.

راهکار ویژه دین و عرفان برای بازپروری و اصلاح بعد از گناه و جرم، توبه است. توبه، یکی از موضوعات مهم اسلام است که در شریعت، عرفان و قانون مجازات اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و در فقه جزایی اسلام، یکی از عوامل سقوط، عفو و تخفیف مجازات‌های حدی به جزء حد قذف می‌باشد. توبه اگرچه در قانون پیش بینی شده است، چنان‌که با نظرگاه شریعت و عرفان بررسی شود، نقش عملی آن در اصلاح، بازپروری و رشد معنوی انسان مجرم، بیشتر نمایان می‌سازد و با این نگاه و معیارهای فقهی و عرفانی، قاضی آسان‌تر به احراز توبه و ندامت و اصلاح مجرم، دست می‌یابد.

آثار سعدی، تاکنون هدف رویکردهای مختلف پژوهشی قرار گرفته است. در این مقاله، نگاهی دیگر بر آفرینش‌های ادبی و فکری سعدی داشته و جلوه‌های از جرم، تقصیر و توبه در آن‌ها باز نموده شود. هدف اصلی تأمل در نگاه عرفانی سعدی به توبه و گناه و تقصیر بوده است. این گونه بررسی و تحقیق در نگاه عرفانی سعدی، تاجایی که نگارنده اطلاع دارد مسبوق به سابقه نبوده است.

جرم و تقصیر

جرم از نظر قرآن با مفاهیم دیگر چون گناه، سیئه، معصیت و... گاهی هم معنی است. جعفر

رشادتی در بحث جرم و گناه، در کتاب «پیشگیری از جرم در قرآن، به ۲۲ مفهوم مشابه جرم و گناه در قرآن اشاره می‌کند و از جمله: (ثم، دنب، سیئه، خطیئه، معصیت، فحشا، تعدی، ظلم، فساد، حرام، و منکر). که بنظر می‌رسد متأثر از تقسیم‌بندی‌های گناه از «گناه‌شناسی» محسن قرائتی باشد. (رشادتی، ۱۳۸۷: ۶)

وقتی سخن از جرم پیش می‌آید مصداق آن و سبب تراز گناه است تنها در منظر قانون و قانونگذار موضوع جرم مصداق‌های خاصی و البته پشتوانه قانونی و اجرایی دارد هر چند که از بعدی دیگر گناه علم تراز جرم است؛ به تعبیری دیگر، نسبت عموم و خصوص من وجه دارند. اما به لحاظ مصداق‌های عام آن در جامعه پدیده مجرمانه صرفاً رنگ کیفری و حقوقی ندارد یعنی هم شامل جرم می‌شود و هم انحراف و کجروی. پس «موضوع جرم‌شناسی طبق آخرین برداشت‌ها، علل پدیده مجرمانه است». (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۰: ۷۳)

آنچه در پژوهش آثار سعدی قابل تصدیق است مفهوم عام‌تر جرم یعنی نابهنجاری‌های اجتماعی و انحرافات و کجروی‌های جرم و جنایت‌های انسانی و اخلاقی و گناه و فساد است و آسیب‌شناسی به این مفهوم جریان دارد. سعدی بیش از ۹۰ بار گناه و مفاهیم مشابه آن را در آثار خود ذکر می‌کند که در اغلب موارد هم معنی جرم اخلاقی و فقهی است که در قانون جزای اسلامی، جرم محسوب می‌شود و به اصطلاح بسامد گناه و مشابه آن، از بسامد بالایی در آثار او برخوردار است و نشان از دغدغه ذهنی و درون‌مایه فکری وی نسبت به این مضمون است که در اخلاق جرم محسوب می‌شود.

سعدی از واژه جرم، انحراف و تقصیر هم به مناسبت لازم بهره گرفته و بیش از ۶۰ بار کلمه جرم و مجرم را به کار برده است. گاه در معنای معمول لغوی، گاه در معنای حقوقی امروزی و گاهی در ترازوی برابر با گناه، این واژه سهمگین را به زیبایی می‌آورد؛ گویا جرم با آدمی سرشته شده است که خواننده شکوه و جمال آن را ببیند:

گر خون من و جمله عالم تو بریزی اقرار بیاریم که جرم از طرف ماست

(سعدی، غ ۴۶/ج ۱/۱۳۷۴: ۷۱)

با همه جرم امید با همه خوفم رجاست گر درم ما مسست لطف شما کیمیاست

(سعدی، غ ۴۸/ج ۱/۱۳۷۴: ۷۴)

ز یزدان دادار داور بخواه شب توبه تقصیر روز گناه

کریمی که آوردت از نیست هست عجب گر بیفتی نگیردت دست

نیامد بر این در کسی عذر خواه که سیل ندامت نشستش گناه
(سعدی، ۱۳۷۹: ۱۹۴)

انجام گناه و جرم از نظر روحی و روانی قبل از هرکس، مجرم و گناهکار را رنج می‌دهد؛ به ویژه اگر در گناه و جرم علاوه بر حق‌الله و حق‌النفس، جرم حق‌الناس هم در میان باشد. گاهی گناهکار دچار بیماری روحی و روانی می‌گردد که از درون او را فرسوده می‌کند. نگاهی به اعترافات مجرمان در محاکم به ویژه در زندان‌ها، این مساله را بیشتر نمایان می‌کند که هر چند مجرم عواقب مجازات اعتراف را کاملاً درک می‌کند اما باز آن را بر انکار عذاب‌آور ترجیح می‌دهد.

توبه

توبه «در لغت به معنی بازگشت و در اصطلاح بازگشت به خداست به گشودن عقده، اصرار از قلب و قیام به حقوق رب. خدای تعالی فرمود: تُوْبُوا اِلَى اللّٰهِ جَمِيعًا (۳۲/۲۴)....» (سجّادی، ۱۳۷۹: ۳۷) غزالی معتقد است: «توبه آغاز راه سالکان و کلید خو شبختی مریدان است.... [توبه] دارای رکن آغاز و انجام است. آغاز آن ایمان است یعنی نور معرفت بر قلب انسان بتابد و کمال توبه وقتی حاصل می‌شود که انسان در حال حاضر از گناه بپرهیزد و تصمیم بگیرد که در آینده هیچ گونه گناهی را مرتکب نشود....» (غزالی، ۱۳۶۹: ۱۸۳)

خداوند متعال در قرآن کتاب قانون بشریت یکی از مهمترین راه‌های گریز از پری‌شانی و آرامش این دنیا سعادت‌مندی آن دنیا پس از ارتکاب جرم و گناه توبه معرفی کرده است و در جای جای قرآن کریم به مناسبت‌های گوناگون، با تمثیل‌های قرآنی، شیوه عملی توبه را سفارش کرده است. نخستین گام توبه در زندگانی نخستین بشر یعنی حضرت آدم و حوا دیده می‌شود که از دستور الهی سرپیچی کردند و به عذاب گرفتار شدند اما خدای متعال جرم حضرت آدم را به وسیله پشیمانی و توبه گریه و زاری بخشید تا توبه سرمشق عملی برای زندگانی انسان‌ها در طول حیات باشد. آیات متعددی در قرآن در بحث توبه هست از جمله:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (سوره الزمر: آیه ۵۳) بگو ای بندگان من که بر خویش‌نشدن زیاده روی روا داشته اید از رحمت خدا نومید مشوید در حقیقت خدا همه گناهان را می‌آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است.

توبه بهترین وسیله خودسازی و درمان و اصلاح و پیشگیری از تکرار جرم برای انسان گناهکار و مجرم است و از چنان اهمیتی برخوردار است که مقنن در قانون مجازات اسلامی ایران

یکی از ابزارهای تخفیف مجازات را توبه معرفی کرده است.

بحث توبه در ادبیات عرفانی سابقه طولانی و در آثار بزرگان تاریخ تصوف اسلامی بازتاب گسترده‌ای دارد و یکی از موضوعات و مقامات مهم تصوف و عرفان بشمار می‌رود. در عرفان دو اصطلاح معروف به نام مقام و حال یا سیر و سلوک سالک و عارف هست. هر یک از آن دو را مراتبی و پله‌هایی است برای رسیدن به حق. مقامات عرفانی را معمولاً هفت دانسته‌اند و اولین مقام سالکان طریق، توبه است که برای آن مراتب و شرایطی وضع کرده‌اند. «شرایط توبه در عرفان عبارتند از: تأسف بر مخالفت و نافرمانی‌های خود، ترک زلت و لغزش‌ها و عزم ناکردن و بازنگشتن به گناه.» (حائری، ۱۳۸۶: ۲۹) سیری اجمالی در آثار مشایخ بزرگ به وضوح نشانگر این معنی است. از آثار ارزشمند آنان چنین بدست می‌آید که تقریباً همه اینها توبه را از مهمترین مقام‌های سالک راه حق می‌دانسته‌اند. بعنوان نمونه در آثار مختلف پیر هرات از کشف‌الاسرار گرفته، منازل‌السرائین و صدمیدان و... این مطلب با اهمیت خاصی طرح شده است. محیی‌الدین عربی، چهره برجسته عرفان اسلامی باب مفصلی را در دایره‌المعارف بزرگ خود (الفتوحات المکیه) به این امر اختصاص داده است. نجم‌الدین رازی در «مرصادالعباد» دو مبحث بسیار مهم در این مورد دارد. مولوی افزون بر طرح مسئله توبه در «مثنوی معنوی» به مناسبت‌های مختلفی، توبه نصوح را بطور جالب، جامع و مشروح بیان فرموده است. بلبل گلستان شعر و عرفان، حافظ شیرازی در حد قابل توجهی مسئله را مدنظر داشته و در سی و دو بیت از دیوان خود به بیان توبه پرداخته است، ابن فارض، شبستری و نسفی هر کدام به نوبه خود بر اهمیت این موضوع اصرار ورزیده‌اند. برای نمونه، خواجه عبدالله انصاری را در ارزش والای توبه می‌گوید: «...توبه نشان راه است و سالار بار و کلید گنج و شفیع وصال و میانجی بزرگ و شرط قبول و سر همه شادی.» (حسینی، ۱۳۷۲) «ابو نصر سراج» در کتاب «اللمع» هفت مقام برای سالک در طریق سلوک معرفی می‌کند و از توبه به عنوان مقام اول نام می‌برد. (سجّادی، ۱۳۷۹: ۲۰) خواجه عبدالله انصاری در اثر «صدمیدان»، صد مرحله برای سالکان توصیه می‌کند که میدان اول، توبه است و «صاحب مصباح الهدایه، اولین مقام از مقامات را توبه نام‌گذاری می‌کند.» (همان: ۳۰)

گاه توبه عرفانی را با شریعت یکی نمی‌دانند؛ «زیرا که توبه در شریعت بدون هیچ واسطه‌ای بین بنده و حق است و موضوع آن پشیمانی از نافرمانی و بازگشتن به دستورات دینی است؛ در حالی که توبه در طریقت به دست پیر و مرشد و مراد صورت‌پذیر است و موضوع آن ترک ما سوی الله می‌باشد.» (حائری، ۱۳۸۶: ۳۱) اما اگر بخواهیم در کمترین و زیباترین عبارات از این موضوع سخن بگوییم اشارات ابو سعید ابی‌الخیر، وافی به مقصود است. در اسرار توحید آمده است که «آورده‌اند:

استاد امام ابوالقاسم قشیری قدس الله سره العزیز، یک شب با خود اندیشه کرد که فردا به مجلس شیخ شوم و ازوی بپرسم که شریعت چیست و طریقت چیست؟ تا چه گوید. دیگر روز پگاه به مجلس آمدم و بنشستم. شیخ در سخن آمد پیش از آنکه استاد امام سوال کردی. شیخ گفت: ای کسی که می‌خواهی که از شریعت و طریقت بپرسی. بدان که ما جمله علوم شریعت و طریقت را به یک بیت آورده‌ایم و آن بیت این است:

از دو ست پیام آمد کارآرسته کن کار، اینک شریعت

مهر دل پیش آر و فضول بردار، اینک طریقت!

امام الحرمین ابوالمعالی جوینی گفته است: هرچه ما در کتاب‌ها خواندیم و نوشتیم و تصنیف کردیم و بسیاری رنج به ما رسید؛ آن سلطان طریقت شیخ ابوسعید در این یک بیت بیان کرده است. (حائری، ۱۳۷۴: ۳۹)

با توجه به اینکه «عرفان نگاه هنری و جمال‌شناسانه نسبت به الهیات و دین» است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۸) آنچه در فقه و حقوق مجازات اسلامی منبعث از شریعت اسلام و قرآن و حدیث در مورد توبه قابل پذیرش است همان مسأله در عرفان با نگاه هنری و عاطفی، به عبارت دیگر تسامح و انعطاف بیشتری به میان می‌آید و ضمن نگاه جمال‌شناسانه، انسان‌ساز و وسیله سعادت‌مندی بشری در دنیا و آخرت قلمداد می‌شود. «در واقع توبه انقلاب است، انقلابی درونی، حرکتی در جان تا آزاد گردد و به سوی حق سیر کند. یعنی از دیدگاه عارفان، گناهان، غفلت‌ها و... حجاب‌هایی است که گوهر جان را زندانی نموده است و بر آن حکومت می‌کند و سالک باید در نخستین گام بیدار شود، علیه این سلطه بپاخیزد و با انقلابی از درون، جان را آزاد کند تا بتواند به سوی حق پرواز نماید و این همان توبه است و چون حجاب‌ها و پرده‌ها نسبی و تشکیکی است، این معنا در همه مراتب توبه وجود دارد، چه حجاب از ظلمت باشد و چه از نور، باید انقلاب درونی و آتش ندامت جان را بلرزاند، متزلزلش کند و با یک دگرگونی و زیروروئی زمینه سیر روحانی عارف را فراهم آورد. جان و روح توبه همان‌سوز، درد، انقلاب درونی و آتش ندامت است.» (حسینی، ۱۳۷۲)

امام محمد غزالی توبه را نتیجه علم می‌داند. یعنی معتقد است اول باید علم و آگاهی نسبت به گناه و معصیت داشت بعد از آن، وقتی دانستیم گناه مانع میان گناهکار و خداست، پشیمانی به معنی واقعی صورت می‌گیرد.

با این توضیح مختصر، می‌توان گفت در دیدگاه عرفانی توبه‌ای که انقلاب روحی در تائب به وجود آورد نه تنها در دنیا موجب سقوط مجازات می‌شود بلکه در قیامت هم وسیله رستگاری و

عفو و آمرزش الهی را به دنبال دارد.

توبه در نگاه سعدی

توبه در نظر سعدی، از جایگاه مهم در تربیت عرفانی و انسان سازی برخوردار است و یکی از بخش‌های مهم «بوسستان» یا باب‌های دهگانه آن (باب نهم) را «در توبه و راه صواب» نامگذاری می‌کند و از همین عنوان توجه دارد که بهترین راه و راه درست و صواب و سعادت‌مندی راه توبه است و شیخ اجل در بوسستان بابتی مشبع از توبه و تعهد و حکایات راه صواب دارد و چشم‌انداز سعدی در مقدمه آن بسیار آموزه است و توبه و پشیمانی از جرم و گناه، بی‌وفایی و کوتاهی عمر و زندگانی پس از مرگ را یادآور می‌شود و این گونه می‌آغازد:

| | |
|------------------------------|-------------------------------|
| بیا ای که عمرت به هفتاد رفت | مگر خفته بودی که بر باد رفت؟ |
| قیامت که بازار مینو نهند | منازل به اعمال نیکو دهند |
| بضاعت به چندان که آری بری | وگر مفلسی شرمساری بری |
| چو پنجاه سالت برون شد ز دست | غنیمت شمر پنج روزی که هست |
| که ای زنده چون هست امکان گفت | لب از ذکر چون مرده بر هم مخفت |
| چو ما را به غفلت بشد روزگار | تو باری دمی چند فرصت شمار |
| اگر مرده مسکین زبان داشتی | به فریاد و زاری بپرداختی |

(سعدی، ۱۳۷۹: ۱۸۲)

ابتدا حکایتی با عنوان «حکایت پیرمرد و تحسر او بر روزگار جوانی» می‌آورد و پیرمردی را در کنار جوانان شوخ‌طبع مطرح می‌کند که حسرت جوانی را می‌خورد که در هنگام توانایی بر خطا رفته و از فرط پشیمانی در اندیشه گریه کودکانه است که چند بیت آن این است:

| | |
|-----------------------------|-------------------------------|
| جوانی فرا رفت که ای پیرمرد | چه در کنج حسرت نشینی به درد؟! |
| برآورد سر سالخورد از نهفت | جوابش زگر تا چه پیرانه گفت: |
| مرا می‌بباید چو طفلان گریست | ز شرم گناهان نه طفلانه زیست |
| نکو گفت لقمان که نازیستن | به از سال‌ها برخطا زیستن |

(سعدی، ۱۳۷۹: ۱۸۳)

باز حکایتی دیگر به دنبال آن می‌آورد و از زبان پیرمرد دیگری که پشیمان از گناه و تقصیرهایش

است، نکته‌ای بس ظریف اشاره می‌کند و می‌گوید:

دریغا که فصل جوانی برفت به لهور و لعب زندگانی برفت
دریغا که مشغول باطل شدیم ز حق دور ماندیم و غافل شدیم
چه خوش گفت با کودک آموزگار که کاری نکردیم و شد روزگار
(سعدی، ۱۳۷۹: ۱۸۴)

باز حکایتی دیگر دارد و از مرد گناهکاری سخن می‌گوید که می‌خواهد وارد مسجد شود. در این هنگام کسی دیگر به شیوه تحقیرآمیزی وی را سرزنش می‌کند که مسجد جای پاکان است. سعدی یادآوری می‌کند که راه صواب آن است به مسجد رود و اشک ندامت و پشیمانی بریزد. چرا که نم‌ها خداوند شاهد عیب‌ها و گناهان او بوده و در نزد او آب چشم بریزد:

مخسب ای گنه کرده خفته، خیز به عذر گناه آب چشمی بریز
چو حکم ضرورت بود کآبروی بریزند آری براین خاک گوی
به قهر ار براند خدای از درم روان بزرگان شفیع آورم
(همان: ۱۹۱)

سعدی در باب دهم بوستان، در «مناجات و ختم کتاب»، متواضعانه دست تضرع به درگاه خدا برمی‌دارد و جرم را هم معنی گناه می‌داند و بر انسان روا داشته و بخشش آن را از خدا می‌خواهد:

بیا تا برآریم دستی زدل که نتوان برآورد فردا زگل
خداوندگارا نظرکن به جود که جرم آمداز بندگان در وجود
گناه آید از بنده خاکسار به امید عفو خداوندگار
خدا به عزت که خواری مکن به ذل گنه شرمسارم مکن
تودانی که مساکین و بیچاره‌ایم فرو مانده نفس اماره‌ایم
که با نفس و شیطان برآید به زور؟ مصاف پلنگان نیاید زمور
خدایا به ذلت مران از درم که صورت نبندد دری دیگرم
فقیرم به جرم و گناهم مگیر غنی را ترحم بود بر فقیر
(سعدی، ۱۳۷۹: ۱۹۷)

شیخ اجل در آغاز گلستان مهمترین گناه بشر را ناسپاسی می‌نامد و چون می‌داند که انسان

نمی‌تواند در مقابل آن همه لطف و عنایت تو نعمت خداوندی سپا سگزاری شایسته باشد بنابراین یادآوری می‌کند که تنها شیوه درست در مقابل خطا و تقصیرهایش این است که به درگاه حق بنالد و عذرخواهی و توبه کند. می‌فرماید: منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است چون برمی‌آید مفرح ذات پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

از دست و زبان که برآید که از عهده شکرش به درآید

اعملوا ال داوود و شکرا و قلیل من عبادی الشکور

بنده به همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد
ورنه سزاوار خداوندیش کس نتواند که به جای آورد

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده پرده ناموس
بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد:

ای کریمی که از خزانه غیب گبر و ترسا وظیفه خور داری
دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمن این نظر داری؟

(سعدی، ۱۳۷۳: ۴۹)

دقت در کلام مذکور، خود گویای هدف است. در این جا چون پزشک با مهارت روانی و انسانی، به بزرگ‌ترین جرم و بیماری بشری اشاره دارد و بعد در جامعه اسلامی نسخه شفابخشش را تجویز می‌کند و این تصویر را پیش پای خوانندگانش می‌گذارد:

سعدی: پزشک

بیمار: بشریت سرگردان

بیماری: ناسپاسی و کفران نعمت

نسخه شفابخش: توبه به پیشگاه الهی

سعدی در ادامه همین دیباچه، یکی از عرفانی‌ترین احادیث قدسی در توجیه توبه و عنایت و عطف پروردگار ذکر می‌کند: «هرگاه که یکی از بندگان گنه کار پریشان روزگار دست انابت بامید اجابت بدرگاه حق جل و علا بر دارد ایزد تعالی در وی نظر نکند بازش بخواند باز اعراض کند، دیگر بارش بتضرع و زاری بخواند حق سبحانه و تعالی فرماید یا ملائکتی قد استحییت من عبدی و لیس

له رب غیری فقد غفرت له دعوتش اجابت کردم و حاجتش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم.»

آن گاه نتیجه گیری می‌کند و دلداری می‌دهد:

کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده‌ست و او شرمسار
(سعدی، ۱۲۷۳: ۵۰)

«توبه‌کننده در واقع با خدای خویش پیمان می‌بندد و می‌داند که نقض پیمان مجازات اخروی به دنبال دارد و از این جهت توبه نوعی تعهد است و می‌تواند در پیشگیری از ارتکاب جرم موثر باشد زیرا وقتی مثال تولید می‌کند.» (توسلی و صادقی، ۱۳۹۴: ۶۸)

اما سعدی در غزلیاتش چونان عاشقی است که به پیشواز نپی‌ها و مهلکات می‌رود و برای رسیدن به وصال یار از توبه‌ها توبه می‌کند که لطف و جذابیتی خاصی در کلامش نهفته است و بیانی کاملاً ادبی و پارادوکسیکال و متناقض‌نما دارد:

من اگر چنان که نهیست نظر به دوست کردن
به خدای اگر به دردم بکشی که برنگردم
همه عمر توبه به کردم که نگردم از مناهی
کسی از تو چون گریزد که تو اش گریزگاهی
(سعدی، غ ۶۳۵)

گر آن ساقی که مستان راست هشیاران بدیدندی
گرم با صالحان بی دوست فردا در بهشت آرند
ز توبه توبه کردندی چو من بر دست خماران
همان بهتر که در دوزخ کنندم با گنهکاران
(سعدی، غ ۴۵۱)

ساقی بیار جامی کز زهد توبه کردم
مطرب بزن نوایی کز توبه عار دارم
(سعدی، غ ۴۵۱)

سعدی در باب شور و عشق و جوانی به اخلاص در عشق اشاره می‌کند که طعنه زنان ریایی او را منع می‌کنند:

مرا توبه فرمایی‌ای خودپرسست
ببخشای بر من که هرچه او کند
تو را توبه زین گفت اولی ترست
و گر قصد خون است نیکو کند
(سعدی، ۱۳۷۹: ۱۰۴)

نتیجه‌گیری:

اندیشه‌های سعدی، دریای پرگوهر لالای اخلاق، معرفت، دین و گسترده‌ترین تجلی گاه بازتاب آموزه‌های اخلاقی، صلح و نועدوستی بوده و نظریه‌های انسان‌شناسی و آرمان‌های کمال‌گرایی را در زیباترین بیان، با زبان رمز و تمثیل بیان کرده است. اندیشه‌ها و روش‌های تربیتی و آموزشی، زبان، جذابیت‌های سخنوری و ترفندهای مخاطب‌شناسی در سعدی، وی را در بالاترین جایگاه‌ها و معیارهای برتری و تحول‌آفرین و دوران‌سازی شاعران و نظریه‌پردازان جهان قرار داده است و بحث پیشگیری از جرم در کلام او گویای بارز رابطه حقوق انسانی و ادبیات است.

یافته‌های این تحقیق به طور موجز و مفید، نشان می‌دهد سعدی بسیار آگاه است بر اینکه: انسان به واسطه آرزوهای غریزی و فطری و نفس‌آماره و وسوسه‌های شیطانی و به طور کلی انسان بودن، بروز خطا، جرم، تقصیر و گناه از وی حتمی است و البته تداوم آن سقوط و هلاکت و شقاوت هر دو دنیا را به دنبال دارد و تنها راه نجات و رستگاری و برگشتن به سعادت دین و دنیا، توبه است و بس. به همین دلیل به شیوه‌ها و مناسب حکایات و تمثیلات به جرم، تقصیر و توبه به پیشگاه الهی، اشارات صریح و پنهان دارد و با نگاه عرفانی، آن را تلطیف کرده است. هر چند که در گلستان و غزلیات به آن توجه داشته اما در بوستان آشکارا و به فراوانی مورد تأکید قرار داده است.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- حائری، محمدحسن، (۱۳۸۶)، مبانی عرفان و تصوف و ادب پارسی، تهران، علم.
- ۳- حائری، محمدحسن، (۱۳۷۴)، متون عرفانی فارسی، تهران، کتاب ماد.
- ۴- حسینی، سیدعلی، (۱۳۷۲)، «توبه و جایگاه بلند آن در عرفان»، فصلنامه معرفت، شماره ۶.
- ۵- رشادتی، جعفر، (۱۳۸۷)، «پیشگیری از نظر قرآن»، تهران، نشر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- ۶- سجادی، سیدضیاءالدین، (۱۳۷۵)، مبانی عرفان و تصوف، نشر سمت، تهران.
- ۷- سعدی، مصلح الدین، (۱۳۷۹)، بوستان سعدی، تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی.
- ۸- سعدی، مصلح الدین، (۱۳۷۴)، دیوان غزلیات سعدی، به کوشش: خلیل خطیب رهبر، تهران، مهتاب.
- ۹- سعدی، مصلح الدین، (۱۳۷۳)، گلستان سعدی، تصحیح و توضیح: غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی.
- ۱۰- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۲)، زبان شعر در نثر صوفیه، تهران، نشر سخن.
- ۱۱- غزالی، ابوحامد محمد، (۱۳۶۹)، اربعین، ترجمه: برهان الدین حمدی، نشر اطلاعات، تهران.
- ۱۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۹)، تقریرات درس جرم شناسی پیشگیری به کوشش محمد علی بابایی، دانشگاه تربیت مدرس، نشر الکترونیکی.